



کلاس ممنوعه

نظرات ، پیشنهادات و همکاری

  **shokoufe_mb**



بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
مرکز خدیجه کبری (س)

دانشگاه فرهنگیان باید در رأس امور باشد

لازمه‌ی تحقق هر هدفی باور به آن است؛ باوری که انسان را شایسته و لایق رسیدن به آن پیشرفت بداند تا بتواند خودباوری جمعی را در جهت تلاش برای احقاق آن هدف زنده کند.

ما هنوز باور نداریم که راه تحول نسل و ارتقا کشور و حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی از مسیر تعلیم و تربیت می‌گذرد و هر هزینه‌ای که امروز در حوزه‌های مختلف می‌کنیم همان سرمایه‌ای است که در نظام تربیتی کشور صرف نکرده‌ایم. نگاهی که به نظر می‌رسد نه مجلس و نه دولت نتوانستند در آموزش و پرورش پیاده‌سازی کنند تا آن را به اولویت‌های اصلی نظام تبدیل کنند. رسیدگی به دانشگاه فرهنگیان، که مهم‌ترین بستر تربیت معلم است به گفته‌ی رهبری باید در رأس امور قرار گیرد ولی چیزی که شاهدش هستیم این است که دانشگاه فرهنگیان با وضع مطلوب یک محیط فرهنگی آموزشی فرسنگ‌ها فاصله دارد!

نظریه‌پردازی و تخصص در شناخت مشکلات اگرچه ضروری و مهم است ولی کافی نیست چرا که گام مهم بعدی که ما را به هدف موردنظر می‌رساند «توانایی حل مسئله» در سطح خرد و کلان است و به این مهم دست نمی‌یابیم مگر با «جزئی‌نگری». از جمله مشکلات عمده‌ی ما کلی‌گویی است چه ضرب‌ها که ما از این کلی‌گویی‌ها نخورده‌ایم اگر تمام اسناد و متونی که جهت تحول در نظام آموزش و پرورش مدون شده را نگاه کنیم به هیچ راهکار و رویکرد عملی و مشخصی برای رسیدن به هدف موردنظر که همانا حیات طیبه است نمی‌رسیم.

از جزیی‌ترین و ابتدایی‌ترین زیرساخت‌های جذب معلم خلاق و توانمند، داشتن یک محیط دانشگاهی مطلوب است! محیطی که بتواند تنه بزند به دانشگاه‌های برتر اگر هدفش جذب و نخبه پروری است! در صورتی که اکثر پردیس‌های فرهنگیان به فناوری روز مجهز نیستند یا همچنان از سیستم‌هایی استفاده می‌کنند که از رده خارج شده‌اند. فضای آموزشی خیلی از دبیرستان‌ها شاید از نظر وسعت و پیشرفت از پردیس‌های فرهنگیان بهتر باشد! آن وقت چطور می‌شود بدون داشتن بدیهی‌ترین نیاز نخبه جذب کرد؟

در حال حاضر نیز در پردیس‌های کشور صدها نخبه‌ی علمی و فرهنگی، هنری و ورزشی وجود دارد که در این فضای بدون محوریت پژوهش ذبح می‌شوند!

چرا دانشگاه فرهنگیان نباید از تاپ‌ترین دانشگاه‌های کشور باشد؟

چرا نباید از نظر کیفیت و رفاه آموزشی، تربیتی در جایگاه بهترین‌های باشد؟

چرا «چگونه معلمی کردن» در این دانشگاه‌ها آموزش داده نمی‌شود؟ و همچنان از روش‌های منسوخ تدریس استفاده می‌شود دورسالت مهم دانشگاه فرهنگیان تربیت دانشجو و معلم شایسته است؛ دانشگاه باید به گونه‌ای عمل کند که بتواند دانشجوی محقق تربیت کند که برای رسیدن به معلمی شایسته بودن تلاش کند.

در نهایت رسیدن به این اهداف و هدف‌های بالاتر جز با کارکردن، استفاده از ایده‌های خلاق و تنوع در عقاید محقق نخواهد شد.



به قلم: فاطمه چوگان: امور تربیتی ۱۴۰۰



بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

مرکز خدیجه کبری (س)

نظرات، پیشنهادات و همکاری

  shokoufe_mb

می نویسیم حق، بخوان واجب منع شده!

آگاه باشید! حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم (نهج البلاغه - نامه ۵۰)

در آخرین سال های یازدهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، بد نیست که به یکی از اساسی ترین حقوق مردم نسبت به مجلس، یعنی شفافیت بپردازیم.

شفافیت عملکرد مجلس و نمایندگان از سال های پیش تا کنون، کمابیش از مطالبات اصلی گروه های مردمی بوده است. مطالبه ای که در این سالها یا به آن شدیداً بی توجهی شده و یا ما شاهد ذبح آن در مصوبات و سخنان نمایندگان مجلس بوده ایم. برای مثال؛ شفافیت مطالبه شده توسط کارشناسان و صاحب نظران که شامل شفافیت اموال نمایندگان، میزان درآمد و پاداش ها، هزینه ی تبلیغات، آرای آنها و... می شد؛ در نهایت در مصوبات مجلس تنها به شفافیت آرای نمایندگان تقلیل پیدا کرد که همان هم پس از رفت و آمدهای بسیار بین مجلس و شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت فرستاده شد و هنوز هم تکلیف آن به طور قطعی و رسمی مشخص نیست.

البته سامانه ی شفافیت آرای نمایندگان مدتی است که راه اندازی شده و نمایندگان به طور اختیاری می توانند آرای خود را منتشر کنند. گفتنی است که از بین ۱۸ نماینده ی خوزستان، ۱۱ نماینده تاکنون حاضر به شفاف سازی آرای خود نشدند که در این میان نام آقای سید احمد آوایی نماینده ی شهرستان دزفول نیز به چشم می خورد. جالب اینکه برخی از آقایان قبل از رسیدن به کرسی نمایندگی بارها وعده ی شفافیت داده و حال، به نقض عهد و پیمان خود تبدیل شده اند. برخی نه تنها سخنان خود را فراموش کرده (یا خود را به فراموشی زده اند)؛ مردم را نیز فراموش کار پنداشته و کوچکترین دلیلی برای پاسخگویی به مردم، در رابطه با خلف وعده هایشان نمی یابند.

هرچند اجرای شفافیت آرا در این زمان و پیوستن به آن، مسکوت ماندن این وعده در طی این سه سال را توجیه نمی کند؛ اما پیوستن به آن شاید گامی کوچک در عمل به وعده های انتخاباتی و نطق های پیرامون شفافیت باشد.

با توجه به واضح و مبرهن بودن تاثیر زیاد شفافیت در کاهش فساد و افزایش اعتماد مردم به سیستم قانون گذاری، انتظار می رود این مهم، بیش از پیش توسط مجلس، به عنوان مجرای قانون گذاری پیگیری و اجرا شود.



به قلم : شکوفه مظفری
آموزش ابتدایی ۱۳۹۹



۲

پس از مشورت با استاد و رئیس محترم دانشگاه، قرار بر این شد که به اداره آموزش و پرورش محل سکونت خود مراجعه و معرفی نامه را اخذ کنیم. بر نامه ریزی کردم که سوم مهر ماه صبح به اداره بروم. از شب قبل چندین مسئله ذهن مرا به خود مشغول کرد. «کاش بشود مدرسه فاصله که نزدیک منزل مان است را برایم انتخاب کنند؛ اگر نشد آن وقت چه کار کنم؟ چه کسی مرا به مدرسه ببرد؟» یا «خدا کند فردا بدون هیچ در دسری کارم به اتمام برسد و خیالم راحت شود» و «ای کاش اداره، انتخاب پایه و مدرسه را به عهده خودم واگذار کند و بتوانم پایه ششم را برای کارورزی انتخاب کنم». صبح روز شنبه، سوم مهر ماه ۱۴۰۰، ساعت ۹ صبح به اتفاق همسرم به اداره آموزش و پرورش شهرستان دزفول رفتم. البته ایشان کار داشت و مرا رساند و رفت. استاد محترم از یک هفته قبل گفته بود که باید به اتاق پژوهش برویم. با نگاهی به چارت اتاق ها در سالن، دریافتم که باید به طبقه دوم بروم. مهر ماه بود و مثل همیشه این وقت سال، اداره پر بود از خانواده های دغدغه مندی که به دلایل مختلف، فرزندان شان ثبت نام نشده بودند یا معلمینی که نسبت به مدرسه و دلایل این چنینی اعتراض داشتند تا محل تدریس شان تغییر کند. گاهی آنقدر صدای خانواده ها و مردم بالا میرفت که کارمند اداره مجبور بود آنها را از اتاق بیرون کند. هرج و مرج زیاد بود و این بی نظمی بشدت مرا آزار می داد. به اتاق پژوهش رسیدم و بعد از سلام و وقت بخیر، توضیح دادم که جهت گرفتن معرفی کارورزی یک آمده ام. اگر اشتباه نکنم فامیل مسئول این بخش «آقای رفیعی» بود. برخلاف تصورم از من استقبال کرد و با احترام با من صحبت می کرد. من هنوز به دوران استخدامم فکر می کردم که همچون یک فرد عادی با من برخورد و گاهی به من بی توجهی میشد، اما این بار نوع برخورد کادر با من خیلی تغییر کرده بود و از این بابت خرسند بودم که بالاخره ما را معلم و عضوی از خانواده آموزش و پرورش حساب کردند.

ادامه دارد...

به قلم : زهرا حیدری
آموزش ابتدایی ۱۳۹۸



بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
مرکز خدیجه کبری (س)

نظرات، پیشنهادات و همکاری

shokoufe_mb



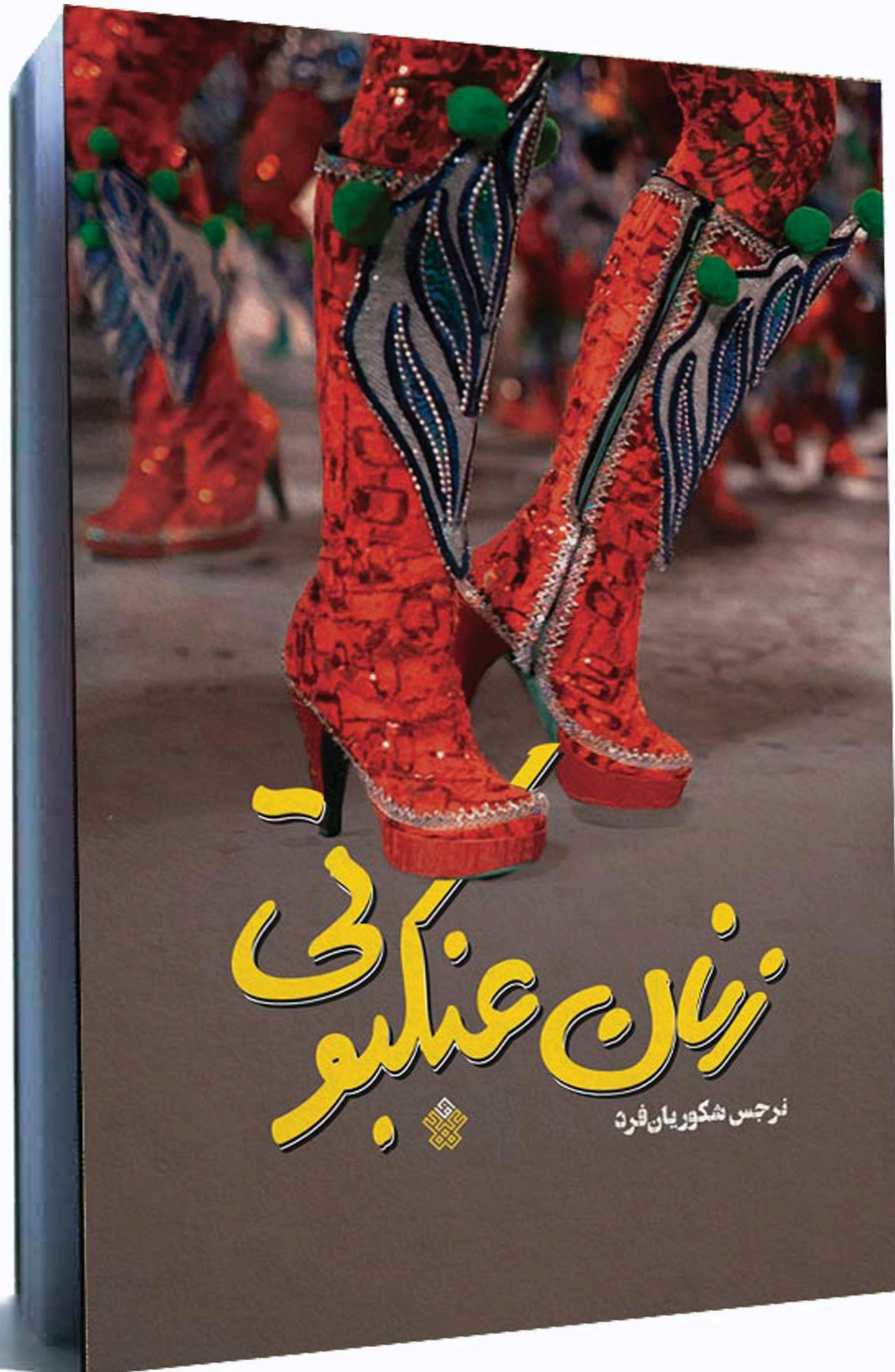
۱

از روزی که شنیدم ترم بالایی ها واحدی به نام کارورزی دارند و در گپ و گفت هایشان گاهی از خاطرات خوش آن و گاهی از سخت گیری های استاد گله و ناله می کردند، بر آن شدم که بپرسم این واحد درسی، چیست؟ برخی از دانشجویها با بی حوصلگی جواب هایی می دادند مثل اینکه «هیچی بابا! میری مدرسه، هرچی دیدی می نویسی». یا می گفتند: «با یک استاد خوب بگیر که اذیتت نکنه چون واحد سخته!». خلاصه گذشت و کرونا آمد و مدارس و دانشگاه ها بسته شد و من با اینکه این واحد درسی را نداشتم، با خودم فکر میکردم که اکنون دانشجویهایی که کارورزی دارند چه می کنند؟ دوباره از تعدادی از آنها پرسیدم که روند کار را با توجه به شرایط کرونا چگونه طی می کنید؟ غالبا پاسخ آنها با ناامیدی این بود: «دلت خوشه بابا با بدبختی!»

خلاصه ترمی فرا رسید که باید این واحد درسی را اخذ می کردم و وقتی آن را ثبت کردم تمام آن حرف ها در ذهنم پدیدار شد اما اهمیت ندادم و برای موفقیت در این درس خصوصا در شرایط سخت کرونا، به خداوند توکل کردم. کم کم زمزمه هایی مبنی بر اینکه باید فرمی از اداره محل سکونت خود بگیرید و شروع به کار کنید، آغاز شد. تا چندین روز همه دانشجویان سرگشته بودند که قصه از چه قرار است؟ اصلا باید چه کار کنیم؟



کلاس محنت | زنگ چهارم : معرفی کتاب



فقط نمی دونم شما مزه ی پول رو تا حالا زیربونتون حس کردید یا نه؟
معتاد می کنه آدم رو
وقتی عادت کردی که سوار فلان ماشین بشی و رستوران شمال رو فقط
بشناسی و برند بپوشی، وقتی پول پارتیا و مشروب و مواد رو بدن و
تو رو وابسته خودشون کنند؛ تو مثل سگ هم وفادار میشی، هم دم
تکون میدی، هم هر جا که چوب رو پرت کنن، تو می دوی و از همون جا
چوب رو براشون میاری و لیس به کفششون هم میزنی ...

این متنی که الان مطالعه کردید و شاید تلخی اون، خراش هایی رو به قلب شما انداخته
باشه، بخشی از کتاب **"زنان عنکبوتی"** نوشته ی نرجس شکوریان فرد بود...

قطعا برای همه ی ما پیش اومده که گاهی در حالی داریم تو اینستا می چرخیم تا کمی تفریح
کنیم و حال دلون خوب باشه، چیزهایی میبینیم که قلعون رو پژمرده میکنه...
مثل وقتی که میریم تو پیج بلاگرهای مختلف و با دیدن سطح زندگی شون، تفریحاتشون و... با
خودمون فکر می کنیم که چقدر زندگی برای اون ها قشنگ تر تعریف شده؛ انگار که خورشید فقط تو
آسمون زندگی اون ها می تابه. زندگی ما همیشه شبه...
اینکه شاید خیلی هاشون دارن آرزوهای ما رو زندگی میکنن و زندگی ما فقط یه حبابه که هر لحظه
ممکنه بترکه...

خب اگه تا حالا چنین افکاری به ذهنتون نفوذ کرده پیشنهاد می کنم حتما این کتاب رو مطالعه کنید،
چون این رمان قطعا می تونه دیدگاه شما رو نسبت به زندگی پوشالی دیگران عوض کنه و در کنار
اون به حدی داستان قوی و جذابی داره، که قطعا ذهن شما رو درگیر خودش می کنه، مخصوصا
اگر شما از طرفداران رمان های پلیسی و هیجان انگیز هستید؛ این رمان باعث میشه که یه نگاه
جدید به اطرافتون پیدا کنید و به شدت چشمتون رو باز میکنه. پس؛ خوندنش رو از دست ندید!



– خبر رسیده که در یک مهمانسرا در مجمع الجزایر گالپاگوس پس از چند میلیون هزینه برای نابودی حشرات و جانوران موذی، همچنان موجودات عجیب و غریب پیدا می‌شود. مهمان‌ها به نشونه‌ی اعتراض در حیاط مهمانسرا تجمع کردن. بعد یکی از مهماندارها به‌شون گفته: "نگران نباشید ما به فکر شما هستیم؛ یه بچه مار به این بامزگی ترس نداره که! قبلا مار اینجا پیدا میشد ده برابر این بچه مار، برید خدا رو شکر کنید که حالا از این خبرا نیست!"

– بایدن، اوگاندا رو تهدید کرده که بخاطر قوانین ضد همجنسبازان تحریم‌شون میکنه!

– اسناد منتشر شده نشون میده در ایران بانک‌ها ۱۶۴ هزار میلیارد تومن به اعضای خودشون وام دادن! یعنی به طور میانگین هر کارمند ۷۷۷ میلیون تومن وام دریافت کرده! رئیس جمهور هم گفته: "پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی باید بر طبق ضوابط و عادلانه باشه."

و وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی رو مأمور کرده که اگه آیین‌نامه‌ای وجود داره که برای کارکنان بانک‌ها تسهیلات غیر متعارف در نظر گرفته، مورد بازبینی و اصلاح قرار بگیره.

– فاکس نیوز نوشته: "معلم مسیحی در بریتانیا که در کلاس درباره‌ی اعتقادات مسیحیت درباره‌ی جنسیت و ضد انحرافات جنسیتی صحبت کرده بود، اخراج شد." آموزش و پرورش بریتانیا اعلام کرد: "فقط ارائه‌ی دیدگاه رسمی مجازه."